

کارکردهای توحیدمحوری در ارکان و روابط خانواده

تألیف
شیخه صادقی
علیرضا پیرزما



مؤسسه انتشارات امیرکبیر
تهران، ۱۳۹۷

سرشناسه	: صادقی، شیده، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: کارکردهای توحیدمحوری در ارکان و روابط خانواده/ نوشته شیده صادقی، علیرضا پیروزمند.
مشخصات نشر	: تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۸ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-964-00-1960-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: خانواده‌ها -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: Families -- Religious aspects -- Islam
موضوع	: روابط زن و مرد -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: Man-woman relationships -- Religious aspects -- Islam
موضوع	: ارتباط در خانواده -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: Communication in families -- Religious aspects -- Islam
شناسه افزوده	: پیروزمند، علیرضا، ۱۳۴۴ -
رده بندی کنگره	: BP ۲۳۰/۲۱۴۷ ص ۱۳۹۷
رده بندی دیویی	: ۷۴۸/۱۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۲۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰۰-۰۰۰-۰۰۰



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال، صندوق پستی: ۱۱۶۵۰۰۹

کارکردهای توحیدمحوری در ارکان و روابط خانواده

© حق چاپ: ۱۳۹۷، مؤسسه انتشارات امیرکبیر www.amirkabir.net

نوبت چاپ: اول

تألیف: شیده صادقی، علیرضا پیروزمند

طراح جلد: محمدرضا نبوی

چاپ و صحافی و لیتوگرافی: چاپ روز

شمارگان: ۵۰۰

بها: ۲۱۰۰۰۰ ریال

تلفن مرکز فروش: ۰۲۱-۶۱۲۸

فروش اینترنتی: www.amirkabir.net

همه حقوق محفوظ است. هر گونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در کیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

۱۱		تکیده
۱۳		مقدمه
۲۳		فصل اول: کلیات
۲۳		۱. طرح تحقیق
۲۳		۱/۱. ضرورت و اهداف
۲۴		۱/۲. سؤالات تحقیق
۲۵		۲. مفاهیم
۲۵		۲/۱. کارکرد
۲۶		۲/۲. توحیدمحوری
۲۷		۲/۳. ارکان خانواده
۲۸		۲/۴. چستی خانواده اسلامی
۳۱		فصل دوم: ابعاد، مراتب و الگوی بررسی توحیدمحوری در خانواده
۳۱		۱. ابعاد و مراتب توحیدمحوری و راه وصول به آن
۳۱		۱/۱. ابعاد توحیدمحوری
۴۰		۱/۲. مراتب توحیدمحوری
۵۳		۱/۳. راه وصول به توحیدمحوری
۵۷		۲. خانواده توحیدی و جایگاه آن در تفکر اسلامی
۵۹		۳. الگوی بررسی توحیدمحوری در خانواده (در سطح درونی)
۶۳		فصل سوم: کارکرد توحیدمحوری در تعیین نقش‌ها و وظایف ارکان
۶۴		۱. مرد توحیدمحور در خانواده
۶۴		۱/۱. گرایش، بینش و کنش توحیدی
۶۹		۱/۱/۱. مرد، مظهر جلال و قدرت

- ۱/۲. وظیفه اصلی مرد، اقامه و توسعه کلمه توحید از طریق تبعیت از ولی الهی..... ۷۸
- ۱/۳. نقش‌ها و وظایف مرد توحیدمحور در خانواده..... ۷۸
- ۱/۳/۱. ولایت خانواده به نیابت از ولی الهی، حول محور توحید..... ۷۹
- ۱/۳/۲. محوریت در اقتصاد خانواده..... ۹۰
۲. زن توحیدمحور در خانواده..... ۹۳
- ۲/۱. گرایش، بینش و کنش توحیدی..... ۹۳
- ۲/۲. وظیفه اصلی زن، اقامه و توسعه کلمه توحید، از طریق تبعیت از ولی الهی... ۹۵
- ۲/۲. نقش‌ها و وظایف زن توحیدمحور در خانواده..... ۱۰۱
- ۲/۳/۱. محبت عاطفه و جمال..... ۱۰۱
- ۲/۳/۱/۱. زن هنر عاطفی..... ۱۰۱
- ۲/۳/۱/۲. نقش مظهر جمال و رحمت..... ۱۰۲
- ۲/۳/۲. مدیریت روحیه سرراهِ در خانواده..... ۱۰۸
- ۲/۳/۳. پرورش و تربیت فرزند..... ۱۱۲
- ۲/۳/۳/۱. پرورش و تربیت فرزند..... ۱۱۳
- ۲/۳/۳/۲. همسررداری..... ۱۲۱
- الف - نگاه زن توحیدمحور به همسر..... ۱۲۴
- ب - رابطه زن و مرد در خانواده غیرتوحیدی..... ۱۲۷
۳. فرزندان توحیدمحور در خانواده..... ۱۳۰
- ۳/۱. گرایش، بینش و کنش توحیدی..... ۱۳۱
- ۳/۲. وظایف فرزندان توحیدمحور..... ۱۳۲
- ۳/۲/۱. وظایف فردی..... ۱۳۳
- الف - تفکر، تعقل و تحصیل علم..... ۱۳۳
- ب - عبادت و کسب معنویت..... ۱۳۴
- ج - تدبیر زمان و استفاده از فرصت‌ها..... ۱۳۸
- د - کار و تلاش و مسئولیت‌پذیری..... ۱۳۸
- ه - دقت در تغذیه و بهداشت و حفظ سلامت..... ۱۳۹
- ۳/۲/۲. وظایف خانوادگی..... ۱۴۰
- ۳/۲/۳. وظایف اجتماعی..... ۱۴۳
- فصل چهارم: کارکردهای توحیدمحوری در تعاملات خانواده ... ۱۴۵
۱. کارکرد توحیدمحوری خانواده در خویشاوندان..... ۱۴۸
- ۱/۱. کارکرد فرهنگی در خویشاوندان..... ۱۴۸

- ۱۴۸..... ۱/۱/۱ تربیت فرزندان
- ۱۴۹..... ۱/۱/۲ رشد علمی
- ۱۴۹..... ۱/۱/۳ رشد عقلی و ارتباطی
- ۱۵۰..... ۱/۱/۴ نشاط روحی
- ۱۵۰..... ۱/۲ کارکرد اجتماعی در خویشاوندان
- ۱۵۰..... ۱/۲/۱ ازدواج پایدار
- ۱۵۱..... ۱/۲/۲ سلامت
- ۱۵۱..... ۱/۲/۳ اوقات فراغت
- ۱۵۲..... ۱/۲/۴ پیشگیری یا حل اختلافات خانوادگی
- ۱۵۳..... ۱/۳ کارکرد سیاسی
- ۱۵۳..... ۱/۳/۱ افزایش اعتماد و انسجام در روابط خانوادگی
- ۱۵۳..... ۱/۳/۲ ایجاد بینش سیاسی در خویشاوندان
- ۱۵۴..... ۱/۴ کارکرد اقتصادی
- ۱۵۴..... ۱/۴/۱ الگوسازی اقتصادی
- ۱۵۵..... ۱/۴/۲ اشتغال‌زایی و رفاه
- ۱۵۵..... ۲ کارکرد توحیدمحوری سازمان‌ها محیط کار
- ۱۵۵..... ۲/۱ کارکرد فرهنگی
- ۱۵۵..... ۲/۱/۱ حسن خلق
- ۱۵۶..... ۲/۱/۲ وجدان کاری
- ۱۵۶..... ۲/۱/۳ حضور عقیقانه
- ۱۵۷..... ۲/۲ کارکرد اجتماعی
- ۱۵۷..... ۲/۲/۱ استقبال از کار جمعی
- ۱۵۷..... ۲/۲/۲ قانون‌مداری
- ۱۵۸..... ۲/۲/۳ مردم‌داری
- ۱۵۸..... ۲/۳ کارکرد سیاسی
- ۱۵۸..... ۲/۳/۱ مسئولیت‌پذیری مناسب
- ۱۵۹..... ۲/۳/۲ رعایت مصالح سازمانی و ملی
- ۱۵۹..... ۲/۴ کارکرد اقتصادی
- ۱۵۹..... ۲/۴/۱ افزایش بهره‌وری سازمان
- ۱۶۰..... ۲/۴/۲ پاک‌دستی
- ۱۶۰..... ۳ کارکرد توحیدمحوری در جامعه

- ۳/۱. کارکرد فرهنگی ۱۶۱
- ۳/۱/۱. فرهنگ عمومی ۱۶۱
- ۳/۱/۲. کنترل و بهسازی محیط‌های آموزشی ۱۶۲
- ۳/۱/۳. استفاده از ظرفیت و کاهش آسیب شبکه‌های اجتماعی ۱۶۳
- ۳/۱/۴. امر به معروف و نهی از منکر ۱۶۴
- ۳/۲. کارکرد اجتماعی ۱۶۵
- ۳/۲/۱. جهان‌نگری ۱۶۵
- ۳/۱. بهداشت و سلامت ۱۶۶
- ۳/۲/۳. عدل - اعتیاد ۱۶۷
- ۲/۳. کارکرد سیاسی ۱۶۷
- ۳/۳/۱. ۱۶۷
- ۳/۳/۲. حمایت از معقران، از حکومت اسلامی ۱۶۹
- ۳/۳/۳. مشارکت ۱۶۹
- ۳/۴. کارکرد اقتصادی ۱۷۰
- ۳/۴/۱. اقتدار و قدرت اقتصادی، حکومت اسلامی ۱۷۱
- ۳/۴/۲. اصلاح الگوی مصرف ۱۷۱
- ۳/۴/۳. کار و تلاش مضاعف ۱۷۱
- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی ۱۷۳
- منابع ۱۷۹

چکیده

در رویکرد اسلامی، خانواده، هم محیط پرورش و کمال یافتن افراد است و هم زیرساخت جامعه اسلامی به حساب می‌آید. چنانچه کمال انسان‌ها در رسیدن به مقام عبودیت است. بنابراین، همان مقام توحید باشد، نقش‌ها و وظایفی هم که برای ارکان خانواده و همچنین برای یک خانواده و ارتباطات بیرونی آن تعریف می‌شود، می‌بایست هم‌سو و هماهنگ با آهنگ توحید و بندگی باشد. لذا شکلی متفاوت با نقش‌ها و وظایف و ارتباطات خانوادگی غیرتوحیدمحور پیدا می‌کند. براساس اهمیت موضوع توحید و توحیدمحوری در ارکان خانواده، در این پژوهش، بر رابطه بین توحیدمحوری و نقش‌ها و وظایف هر یک از ارکان خانواده تأکید می‌شود. پس از بیان تعریف کلی از توحیدمحوری، ابعاد و مراتب و گستره آن، یافته‌های تحقیق ارائه خواهد شد. روش تحقیق، کتابخانه‌ای است و از طریق تحلیل محتوای منابع دست اول (آیات و روایات) و دست دوم منابع «پیشمندان دینی و تحقیقات انجام گرفته» صورت می‌پذیرد. نتایج به دست آمده از این تحقیقات تحقیق نشان می‌دهد:

۱. توحید، که اصل محوری در کلام اسلامی و مهم‌ترین شاخص و تمایز بخش میان زندگی اسلامی و غیراسلامی است، در میان بیان الگوهای عملی در شکل‌گیری خانواده و در تعریف نقش‌ها و وظایف و تعریف ارکان خانواده، نه تنها به عنوان اصل محوری دیده نمی‌شود، بلکه توحیدمحوری به عنوان یکی از اولویت‌های زندگی در عرض دیگر اولویت‌ها و پس از آن‌ها، ملاحظه شده و ابعاد

و گستره آن در همه زوایای زندگی خانوادگی به خوبی تبیین نشده است. این امر غالباً خانواده را به تأثیرپذیری از الگوهای غیرتوحیدی و سکولار می‌کشاند. چه اینکه در روابط بیرونی خانواده نیز این اصل، مهجور واقع شده است.

۲. در تعریف نقش‌ها و مسئولیت‌های ارکان خانواده: در منابع موجود، برای مرد در خانواده، «ولایت» و سرپرستی تبیین شده است اما به دلیل اتخاذ تعریف محدود از «ولایت»، نقش مرد را در گستره‌ای متناسب با نظام‌های سنتی قدسی تعریف می‌کند که برای شرایط زمانی کنونی، ناکافی و یا ناکارآمد می‌نماید. با اصلاح تعریف ولایت مرد در خانواده، از تعریف فقهی، آن هم در حوزه فردی به تعریف کلامی، کارکرد مرد در خانواده شکل توحیدمحورانه، کارآمدتر و امروزی به دست خواهد گرفت. همچنین در منابع موجود، نقش‌ها و کارکرد زن در خانواده، با اسناد غیرمجتهدانه به آیات و روایات به گونه‌ای تبیین می‌شود که در نهایت، زن به فردی با اختیار و اراده بسیار محدود، و برای آرامش مرد و پرورش نسل تبدیل می‌شود. ایمان او به ایمانی زهدگرایانه توصیه می‌شود. درحالی که با در نظر گرفتن ضرورت اصل توحیدمحوری به عنوان محوری‌ترین و اصلی‌ترین وظیفه در تربیت وجود زن، نقش‌ها و وظایفی برای او تبیین می‌شود که نه تنها گستره اختیار و اراده او را تنگ و محدود نمی‌کند بلکه با هماهنگی با نقش‌ها و وظایف مرد، به ساختن خانواده‌ای توحیدی و پرورش نسل توحیدمحور نائل می‌آیند.

۳. در بررسی روابط بیرون خانواده، با ملاحظه اصل محوری تربیت، کارکردهای خانواده در بیرون از خود یعنی در خویشاوندان، در سازمان‌ها، در جامعه، در تمامی ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، کارکردی اثرگذار بوده و زیرساخت جامعه اسلامی که بستر ساز عبودیت و بندگی و اقامه کلمه توحید است را مستحکم‌تر می‌سازد.

واژگان کلیدی: توحیدمحوری، خانواده توحیدی، زن توحیدمحور، مرد توحیدمحور، فرزندان توحیدمحور، قدرت، عاطفه، رحمت، اطاعت.

مقدمه

در ورود به مباحث که پایه اصلی آن، مباحث اعتقادی بوده و به دنبال جریان دادن اعتقادات در مسائل زندگی است، توجه به وجود چند خصوصیت ضروری است؛ اول اینکه در این گونه مباحث بایستی اصول و اعتقادات دینی که محور بحث هستند، به صورت یک نظام به هم پیوسته همچون قطعات یک نقشه دیده شده و منظومه فکری را تشکیل دهند.

بایستی بتوان برپایه مبنایی واحد، نظام یک و اعتقادی ای تعریف کرد که با ورود در هر حوزه‌ای، هماهنگی این مباحث با آن مبنا، روشن و واضح باشد. برای مثال همان‌طور که در فلسفه وقتی مبنایی پذیرفته می‌شود، (اصالت وجود یا اصالت ماهیت)، فیلسوف باید تا آخر کار، ملتزم به آن مبنا باشد. در همه فصول، آن مبنا را در نظر داشته باشد و جاری نماید؛ اگر مبنای اصالت وجود را انتخاب کرد، باید وحدت و کثرت، علیت، زمان، مکان، آگاهی و همه چیز را براساس همان مبنا تفسیر دهد.

بنابراین لازم است مجموعه مباحثی که ارائه می‌شود به صورت منظومه به هم پیوسته‌ای باشد که قطعاتش همدیگر را تأیید و تکمیل کنند، و بین آن‌ها تنافی وجود نداشته باشد، از مبادی و مبانی مختلف و روش‌های مختلف برخوردار نباشند و به صورت جزایر مستقل از هم ارائه نشوند؛ بلکه باید مانند یک دستگاه ریاضی که از هر نقطه آن می‌توان به نقطه دیگر سیر کرد، منظومه‌ای به هم پیوسته، واضح و روشن ارائه کرد.

دوم اینکه، مجموعه‌ای که ارائه می‌شود باید براساس نگاه حداکثری به دین و اصول آن باشد؛ در بیان حوزه سرپرستی دین در زندگی انسان و اینکه دین و اصول آن در چه حوزه‌هایی از زندگی، فردی یا اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی یا فرهنگی، و... حضور دارند یا می‌توانند حضور داشته و آن حوزه‌ها را سرپرستی نمایند، نظریه‌های مختلفی ارائه می‌شود. از جمله:

۱. نظر به مادیون چپ‌گرا که اصولاً نیازی به حضور دین در زندگی نمی‌بینند و به‌دلیل انکار ماورای طبیعت، از همهٔ امور از جمله دین و رسالت، تحلیل مادی ارائه می‌دهند.

۲. نظریه‌ای که قائل است دین، بیانگر احکام سمبلیک در امور فردی و معنوی است. آن‌ها دین را مجموعه‌ای از خیال‌پردازی‌های حکیمانه و مجموعه سخنانی برای بهتر شدن زندگی مردم و تأمین آرامش و امنیت آن‌ها می‌دانند.

۳. نظریه دیگر، دین را بیانگر احکام حقیقی در امور فردی و معنوی می‌داند و معتقد است اگر عبد، وظیفه خود را در قبال خدا و خلق فهمید و آن را به انجام رساند، سعادت او تضمین می‌شود.

۴. نظریه‌ای که قائل است دین، بیانگر احکام حقیقی در امور فردی و احکام اجتماعی از طریق تنفیذ ولی فقیه است.

۵. و در آخر، نظریه‌ای که معتقد است دین، بیانگر احکام حقیقی در امور فردی و اجتماعی است. این نظریه قلمرو سرپرستی دین را بیش از احکامات قبل توسعه می‌دهد. همهٔ قیود احتمال گذشته را می‌پذیرد، اما توضیحی را بر خود بر آن می‌افزاید؛ براساس این نظریه، دین باید روابط عدل و ظلم را بیان کند تا هر جا که چنین روابطی فرض وقوع داشته باشد، بتواند مناسک پرستش را تبیین کند. گسترهٔ این امر تا آنجاست که فرض طاعت و عصیان وجود داشته باشد، اعم از اینکه در زندگی فردی یا اجتماعی، دین برای سرپرستی تکامل در طول تاریخ آمده است؛ به عبارت دیگر، دین، روشنگر مناسک عبودیت و پرستش است. با اعمال سرپرستی در یک بُعد و رها کردن سایر ابعاد، یا اعمال سرپرستی

در یک مقطع تاریخی و رها کردن مردم در سایر زمان‌ها (نظریه دوم) سرپرستی همه‌جانبه واقع نشده و در بخشی از مسائل یا در مقطعی از زمان، ولایت تکامل به دیگری سپرده می‌شود. در نتیجه، دین باید سرپرستی هر مسئله‌ای را اعم از روابط فردی و اجتماعی، مسائل مادی و معنوی، ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به دست گیرد.^۱ یعنی بتواند رابطه بین اعتقاد و همه عرصه‌های زندگی را تعریف کند و مباحث مختلف آن در حیطه روابطی تنگ و محدود نباشد بلکه بتواند سطح وسیعی از زندگی را پوشش دهد و حتی الامکان منطقه الفراغ ایجاد نکند. برای این ممکن است اخلاق به گونه‌ای تعریف شود که رابطه پرستش خدای متعال را با همه حساسیت‌ها و خلقیات انسان تعریف کند، حتی اخلاق اجتماعی را؛ و با این امر ادوات اخلاق به گونه‌ای تعریف شود که اولاً در دایره رابطه توحید با افکار و نمایان انسان، یک منظومه تشکیل ندهد و ثانیاً فراگیر نباشد، مثل این که ممکن است ادعائات، اصل توحید، به اثبات برسد ولی در اخلاق، رابطه اخلاق حمیده با سرعید تعریف نکرده. لذا تبیین نمی‌شود که مثلاً چه ارتباطی بین موحد بودن و صداقت، یا بین موحد بودن و بخشندگی، یا بین موحد بودن با عشق و محبت، به صورت یک منظومه به هم پیوسته وجود دارد.

از سوی دیگر ممکن است اخلاقی که ارائه می‌شود دایره محدودی از زندگی انسان را بپوشاند، مثلاً، اخلاق در زندگی فردی را به خوبی توضیح دهد اما اخلاق در زندگی اجتماعی را تحت پوشش قرار ندهد، در نتیجه، نتواند براساس آن، روابط اخلاقی جامعه را تحلیل کرد.

و از دیگر سو ممکن است اخلاقی ارائه شود که همه ابعاد زندگی انسان و جامع را به طور فراگیر براساس آن تحلیل کرد و یا فقط برخی ابعاد را تحلیل نمود.

اصل اختلاف کسانی که دین را به صورت حداقلی تعریف می‌کنند با دیگران بر سر مسئله توحید است. یعنی توحید را به گونه‌ای تعریف می‌نمایند که فراگیر

۱. رک: پیروزمند، علیرضا، رابطه منطقی دین و علوم کاربردی، ص ۹۳ - ۱۲۳.

نبوده و نمی‌تواند همه زندگی انسان را پوشش دهد. طبق تحلیل ایشان، لازمه موحد بودن این نیست که همه زندگی انسان، آهنگ توحیدی داشته باشد.

درحالی‌که براساس حداکثری دانستن قلمرو حضور دین، لازمه موحد بودن این است که همه زندگی انسان در تمامی ابعاد و زوایا، یک آهنگ داشته باشد و آن آهنگ توحید است؛ همان‌طور که در دعای کمیل می‌خوانیم: «حتی تکنون اعمالی و ارزاده کلها ورداً واحداً و حالی فی خدمتک سرمد!»؛ توحیدی که همه احوال و اعمال انسان را هم‌آهنگ می‌کند و حتی شامل زندگی خانوادگی و اجتماعی انسان هم می‌شود، یک توحید فراگیر است.

بنابراین بهترین دین نکته، این دقت لازم است که مباحثی که ارائه می‌شود، فراگیر و حداکثری باشد به‌میزانی که بتوان اعتقادات را فراگیر کرد، رابطه بین زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها و ایمان برقرار می‌شود و افراد می‌توانند تشخیص دهند که یک زندگی موحدانه چه نوع روابط، چه نوع صف‌بندی، چه نوع موضع‌گیری و... دارد.

در غرب نقطه مقابل این مطلب اتفاق افتاده است و سکولاریسم یا جدایی دین از سایر عرصه‌های زندگی بشر، نهادینه شده است و تلاش می‌شود در دنیای اسلامی نیز این امر نهادینه شود. اتفاقی که در غرب به‌رغم بعد از رنسانس و نوزایی تفکر قدیم یونان افتاد این بود که برای کاهش دخالت دین و آموزه‌های قدسی انبیای الهی در زندگی بشر، تلاش فراوانی صورت گرفت تا دامنه اعتقادات دینی - یعنی رابطه بین خداپرستی و زندگی - محدود شود و به سبب سست‌تر حضور دین را در عرصه زندگی بشر به حداقل رسانند، و جامعه‌ای ساختند که معتقد است می‌تواند موحد باشد ولی موحد بودنش هیچ ربطی به زندگی اجتماعی‌اش ندارد و می‌تواند در عین اینکه موحد است، در زندگی اجتماعی کاملاً مستقل از انبیای الهی عمل کند؛ جامعه‌ای که معتقد است موحد بودن، هیچ ربطی به حیات این دنیایی انسان ندارد بلکه نظام معیشت انسان، براساس مطالبات نفسانی و عقلانیت خودبنیاد خود وی باید شکل گیرد، در چنین

جامعه‌ای، لازمه موحد بودن، هیچ نوع شریعت خاصی نیست و دین‌داری یک اعتقاد و ارتباط باطنی‌ای است که هیچ شریعت و منسک خاصی ندارد.

اگر اعتقادات جامعه‌ای چنین شود، زندگی آن دینی نخواهد بود؛ لازمه اینکه زندگی یک جامعه، همان جریان اعتقادات و در رأس آن‌ها، توحید باشد، این است که دینی که برای جامعه تبیین شده و به‌سوی آن دعوت می‌شود، فراگیر و حداکثری باشد و بتواند رابطه بین اعتقادات با اخلاق، اعتقادات با مناسک زندگی، اعتقادات با آداب، اعتقادات با سیاست و فرهنگ و اقتصاد و... و در یک کلمه، رابطه بین اعتقادات و همه زندگی را بیان کند.

برای مثال، در اخلاق، باید بتوان رابطه بین روحیات انسان و پرستش خدا را تبیین کرد و توضیح داد که چگونه خداوند کسی که در فرد یا خانواده یا جامعه شکل می‌گیرد و بنیان رفتار فردی انسان، رابطه اجتماعی و زندگی اجتماعی انسان‌هاست، یا متکی به پرستش خدای سبحان است و سعادتمند او؛ و یا به دلیل استکبار علی‌الله است؛ یعنی باید اخلاق را اولاً بر محور توحید و ثانیاً خدا شری تعریف کرد.

در حوزه ابعاد وجودی و فردی نیز مسیر در است. بدین معنا که باید رابطه بین همه ابعاد وجودی انسان با اعتقادات و پرستش خداوند سبحان تبیین شود؛ وقتی ذهن می‌اندیشد، باید موحدانه بیاندیشد؛ وقتی تامل و عمل می‌کند، موحدانه تجربه کند؛ حتی شهود باطنی و تجربه باطنی او (که حاصل آن، عرفان است) باید بر محور پرستش خداوند سبحان باشد. یعنی باید نفس بیفتش و کنش انسان، بر پایه توحید و موحدانه شکل بگیرد.

سوم اینکه در تبیین جریان اعتقادات در زندگی، نباید فقط به فرد و برسازنده‌ها توجه نمود. گاهی انسان‌ها به‌صورت جزیره‌های مستقل دیده می‌شوند که باید به‌صورت مجزا رشد کنند و به خدای خود برسند و رسالت دین، سرپرستی این جزایر مستقل دانسته می‌شود ولو با نگاه حداکثری به دین باشد و معتقد باشد که دین همه حوزه‌ها و ابعاد زندگی انسان را پوشش می‌دهد. تبیین چنین دینی، منجر به آن خواهد شد که به محض آنکه بخواهد در روابط جمعی وارد شود، دیگر نمی‌تواند این اجتماع (چه

اجتماع کوچک خانواده چه اجتماع بزرگ جامعه یا جهان را سرپرستی کند. سرپرستی جمع، با سرپرستی فرد متفاوت است، سعادت و شقاوت جمع، با سعادت و شقاوت فرد، متفاوت است. لذا لازم است در تبیین چگونگی جریان اعتقادات، واحد مطالعه را به جامعه و از جامعه به تاریخ ارتقاء بخشید و پرستش خدای سبحان، محور پرستش اجتماعی و تاریخی قرار گیرد. یعنی، مباحثی که ارائه می‌شود، فقط به رابطه شئون الهی (اراده روحی، فکری و رفتاری) با پرستش خدای متعال توجه نداشته باشد؛ بلکه باید بتواند اراده اجتماعی و اراده تاریخی انسان‌ها را به وحدت برساند و یک پرستش بنیاد اجتماعی و تاریخی شکل دهد.

با ملاحظاتی که بر این جریان اصول دینی و مباحث اعتقادی در بحث خانواده: ۱. لازم است از محورترین موضوع آغاز کرد؛ موضوعی که سایر اعتقادات و اصول دینی در پی آن و تحت آن محور قرار می‌گیرند. موضوع محوری در اصول دین، توحید است. لذا برای شکل‌گیری خانواده دینی، یعنی خانواده‌ای که بستر ساز عبودیت و بندگی باشد و رشد و تعالی توحیدی در آن واقع شود، بیش از هر چیز بایستی به جریان یافتن توحید در خانواده و در تمامی ابعاد زندگی خانوادگی، توجه شده و این اصل در قالب الگویی جامع برای رسیدن به یافتن در خانواده تبیین شود. توحید و توحیدمحوری اصل اساسی‌ای است که در پی آن، پیام الهی برای دعوت به آن مبعوث شده‌اند و دعوت ایشان به بقیه امور، از فروع و آثار توحید است. آنچه از بندگان خواسته شده است، این است که موحد باشند و هر چیز دیگری از آنان خواسته شده است از شئون موحد بودن است. بر این اساس در زندگی خانوادگی که پایه سبک زندگی در آن ریخته می‌شود، اولین و مهم‌ترین اصلی که بایستی بدان توجه شود، اصل توحید است. این اصل می‌بایست در تمام مباحث مربوط به حوزه خانواده نیز به عنوان اولویت اول مورد توجه قرار گیرد نه آنکه به عنوان یکی از اصول مهم در کنار دیگر اصول و اولویت‌ها بدان پرداخته شود. نظیر آنچه در غالب منابع موجود مورد مطالعه مشاهده می‌شود. برای مثال در کتاب ارزشمند تحکیم خانواده/از نگاه قرآن و حدیث تألیف آیت‌الله محمدی ری‌شهری دسته‌بندی‌های ارزشمندی در

بیان احادیث خانواده ارائه شده است. در فصل دوم از بخش یکم از این کتاب در بیان حکمت تشکیل خانواده، چهار مورد اصلی ذکر شده و به روایاتی ذیل آن‌ها اشاره شده است. عوامل اصلی تشکیل خانواده در این فصل عبارتند از: الف - آرامش روانی ب - الفت دل‌ها ج - جلوگیری از فساد اخلاقی و اجتماعی و د - انتشار آرمان توحید.

در حقیقت در این تقسیم‌بندی اولاً؛ اولویت اول در تشکیل خانواده، انتشار و ترویج آرمان توحید، دیده نشده است بلکه عواملی که لازمه توسعه کلمه توحید هستند (همچون آرامش روانی و الفت دل‌ها و جلوگیری از فساد) در اولویت‌های اول قرار گرفته‌اند.

ثانیاً؛ در بحث انتشار آرمان توحید به روایاتی اشاره شده است که به ازدواج و پرورش نسل توصیه شده^۱ به واسطه آن زمین از لاله‌الآله سنگین شود. همچنین در فصل یکم از بخش دوم، اولین عامل تحکیم خانواده، محبت و مهربانی و عطوفت معرفی شده است و در احادیث ذیل این عنوان، روایاتی آمده‌اند که به آثار و چگونگی حب و مهرورزی زن و مرد به یکدیگر اشاره دارند مثلاً اینکه محبت به زنان موجب افزایش ایمان است و... نکته‌های قابل توجه در این نحوه دسته‌بندی و نقل روایات این است که اولاً؛ در امر تشکیل خانواده و استمرار آن و ضرورت وجود و ابراز محبت در آن، توحید به عنوان یک محور اصلی مورد توجه قرار نگرفته است بلکه به عنوان موضعی در عرض موضوعات دیگر دیده شده است. چراکه به روایات حاکم بر این نوع روایات که در متن بدان‌ها اشاره شد و جهت‌گیری محبت (حب و بغض) را محبت الهی^۲ و فی‌الله معرفی نموده، توجه و تأکید نشده است. توصیه و توجه صرف به فروع و وجود محبت و ابراز آن ممکن است به آنجا منتهی شود که محبت‌ها رنگ‌وبوی نفسانی و شهوانی گرفته و از محوریت توحید فاصله گیرد. گرچه بزرگان دینی ما خود به این امر یعنی محوریت دادن به بندگی در بطن زندگی‌ها عنایت ویژه دارند اما مناسب است که در تألیفات خود، آن را برای مخاطبین دقیق‌تر تحلیل و تشریح نمایند. برای مثال در صدر روایاتی که بیان فرموده محبت به همسر سبب

رشد ایمان است یا فرد با ایمان محبت به همسر می‌نماید، به روایات حاکم بر آن‌ها نیز اشاره شود تا دلیل اصلی افزایش ایمان به واسطه محبت به همسر همان محبت الی‌الله معرفی شوند نه نفسانیت انسان.

ثانیاً: در بیان انتشار توحید به عنوان یکی از عوامل تشکیل خانواده (آن‌هم چه ارمین عامل) به روایات مربوط به انتشار توحید در حد ذکرگویی اشاره شده است. این توحید و توسعه کلمه توحید، در امر تشکیل خانواده به صورت حداقلی دیده شده است چراکه گسترش توحید با تسبیح و تحمید و لا اله الا الله کاملاً متفاوت است با اقامه توحید و اینکه هدف از تشکیل خانواده، اقامه توحید، قرار بگیرد، در عبادت‌مندی مورد ملاحظه نیز همین مسائل وجود دارد.

۲. در طرح مباحث خانواده شنیدی از مباحثی با مبانی واحد استفاده شود. نمی‌توان مباحث انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی یا روان‌شناسی‌ای را در بحث خانواده طرح نمود که از مبانی سکولار یا اومانسم نشأت گرفته باشند و با افزودن چند آیه یا روایت به آن‌ها آن‌ها را اسلامی‌سازی نمود. بلکه لازم است این‌گونه بحث‌ها صرفاً از مبانی توحیدی و دین استعراج شده باشند و این مبانی در تمامی طول بحث جریان داشته و استمرار آن‌ها حفظ شده باشد.

۳. طرح موضوعات خانواده، با نگاه حداکثری به دین و جریان توحید باشد و بتواند رابطه بین توحید و همه عرصه‌های زندگی خانوادگی را تعریف کند تا بدین وسیله رابطه بین زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی با ایمان به توحید برقرار شود و ارکان خانواده بتوانند تشخیص دهند یک زندگی موحدانه چه نوع روابط و چه نوع وظایف، چه نوع اقدامات و... دارد.

۴. در تبیین جریان توحید در ارکان خانواده، فقط به فرد و فردسازی توجه نشود و فقط رابطه شئون اراده فرد (اراده روحی، فکری و رفتاری) با پرستش خداوند را ملاحظه نکند بلکه باید بتواند اراده‌های ارکان خانواده را به وحدت برساند و پرستش جمعی آن‌ها را هم در درون خانواده و هم در تعاملات و ارتباطات بیرونی خانواده شکل دهد.

بر این اساس در این پژوهش تلاش شده است با اولویت‌دهی به اصل توحید در بین اصول دیگر اعتقادی، کارکردهای توحیدمحوری در ارکان خانواده با نگاه حداکثری به دین و توحید و با حفظ این مبنا، مورد بررسی اجمالی قرار گیرد و کلیات مهم با ارائه الگویی جامع در بررسی این موضوع به جامعه فکری مباحث خانواده ارائه گردد. گرچه نظرات ارزشمند و سازنده صاحب‌نظران این عرصه، بر تکمیل آن‌ها یاری خواهد رساند. لازم است ذکر شود، نظریه‌های مختار در این پژوهش، مبتنی بر نظریه‌ی علامه فقید سید منیرالدین حسینی الهاشمی (ره)، مؤسس فرهنگستان علوم اسلامی، «مبدع فلسفه نظام ولایت»، شکل گرفته و طرح شده‌اند. همچنین راهنمای‌ها و ارشادات جناب حجة الاسلام و المسلمین محمدتقی سبحانی، به تسمیای پژوهش یاری رسانده است.